

ORIGINAL ARTICLE

Structural metaphor of ethical concepts in Saadi's Bostan

Maryam Zamani* 

Assistant Professor of Persian Language and Literature, at Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Maryam Zamani

Email: maryamzamani@pnu.ac.ir

Received: 31/May/2024

Revised: 22/Aug/2024

Accepted: 04/Jan/2025

How to cite:

Zamani, M. (2025). Structural metaphor of ethical concepts in Saadi's Bostan, *Journal of Sociolinguistics*, 8 (29), 87-106.
(DOI:10.30473/il.2025.70936.1641)

ABSTRACT

concepts do not have a clear structure in the human mind, and it cannot be fully understood from its components. To understand these concepts, the mind uses the concrete and objective domain that have a clear structure. From the point of view of cognitive linguistics, this process of formation of metaphor is a concept in which metaphor is a tool for understanding and cognition, and it is distant from its function in literary industries. Based on the theoretical basis of Likoff and Johnson's conceptual metaphor, this research investigates the metaphorical structure of expressing moral issues in Bostan Saadi and how her intellectual representation is in this context. The method of the present research is descriptive and analytical and the method of data collection is the examination of all the texts of the poems of Bostan Saadi's book. Based on the data analysis, Saadi has used the material elements of culture and civilization, the tools and means of daily life of her time, such as tools, hunting, and ruling, in the explanation of moral concepts; Among the natural elements, "plants" are more widely used than other domain of nature.

KEYWORDS

Bostan, Sociolinguistics, Ethics, Saadi, structural conceptual metaphor.



Introduction

The new researches that have been carried out in the last few decades by linguists and philosophers, about the concept of metaphor, led to a new definition of metaphor, in this new approach, metaphor is not only considered as a literary and linguistic concept; Rather, it has a special place in new linguistics as a tool for representing mental processes in language. By publishing the book "Metaphors We Live With" and presenting a lot of evidence, Lakoff and Johnson showed that metaphor is not only used as a literary technique and for the arrangement of words, but it is the foundation of cognition and thought. In the same way, the present study tries to investigate the metaphor of moral concepts in Saadi Bostan specifically by focusing on the theory of Lakoff and Johnson and specifically the conceptual metaphor of a structural type. In this way, we first identified the conceptual metaphors of the structural type of the field of ethics from Bostan Saadi, then we categorized and analyzed them based on the classification of conceptual metaphors by Lakoff and Johnson.

Method

This research has been carried out using a library method (descriptive-analytical). In this way, we first identified the conceptual metaphors of the structural type of the field of ethics from Bostan Saadi, then we categorized and analyzed them based on the classification of conceptual metaphors by Lakoff and Johnson. The 11th edition of Bostan Saadi edited by Gholamhossein Yousefi, which was published in 1391 by Kharazmi publication is the basis of our work in this article.

Finding

According to Lakoff and Johnson's classification and among the 212 conceptual metaphors of the structural type that were found in Bostan, 23 macro-metaphors can be seen from different source domain, each of which includes sub-branches of the same collection for example, the tool that is the most used domain includes twenty subcategories such as basket, bag, lasso, etc., and plants with 14 different mapping names in 23 metaphors have four subcategories: seed, root, tree, and branch.

Results & Conclusion

According to the findings of the research and looking at the choice of words in the domain of source and target, we can point out the influence of geographical, cultural and social conditions on the way of knowing the world and creating conceptual metaphors in different linguistic and literary periods.

Keywords

Bostan, Sociolinguistics, Ethics, Saadi, structural conceptual metaphor.

«مقاله پژوهشی»

استعاره ساختاری مفاهیم اخلاقی در بوستان سعدی

مریم زمانی * 

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

مریم زمانی

ایانامه: maryamzamani@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

استناد به این مقاله:

زمانی، مریم (۱۴۰۳). استعاره ساختاری مفاهیم اخلاقی در بوستان سعدی، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۸ (۲۹)، ۸۷-۱۰۶.

(DOI: [10.30473/IL.2025.70936.1641](https://doi.org/10.30473/IL.2025.70936.1641))

چکیده

مفاهیم انتزاعی در ذهن بشر ساختار مشخص و روشنی ندارند و از اجزای سازنده‌اش نمی‌توان به درک کامل آن رسید، ذهن برای درک این مفاهیم از حوزه‌های ملموس و عینی بهره می‌برد. از نظر زبان‌شناسی شناختی این فرآیند شکل‌گیری استعاره مفهومی است که در آن استعاره ابزاری برای درک و شناخت است و از کارکرد آن در صنایع ادبی فاصله می‌گیرد. این پژوهش با بنیان نظری استعاره مفهومی لیکاف و جانسون، در پی بررسی ساختار استعاری بیان موضوعات اخلاقی در بوستان سعدی و چگونگی بازنمایی فکری وی در این زمینه است. روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها بررسی تمام متن اشعار کتاب بوستان سعدی است. بر پایه تحلیل داده‌ها سعدی در قلمرو مبدأ از عناصر مادی نموده‌های «فرهنگ و تمدن»، «ابزار و وسایل» مربوط به زندگی روزمره روزگار خود چون ابزارکار و شکار و حکمفرمایی در تبیین مفاهیم اخلاقی بهره برده است؛ از میان عناصر طبیعی «گیاهان» نسبت به سایر حوزه‌های طبیعت پرکاربردتر است.

واژه‌های کلیدی

اخلاق، استعاره مفهومی ساختاری، بوستان، زبان‌شناسی اجتماعی، سعدی.

مقدمه

پردازش به فرآیند شناخت و ساز و کارهای ذهن انسان و بازنمایی آن به وسیله زبان پیوسته یکی از دغدغه‌های مهم دانش زبان‌شناسی بوده است. چامسکی^۱ در سال (۱۹۵۷) با نشر کتاب «ساخت‌های نحوی» رویکرد نوینی به زبان‌شناسی داشت و پس از آن زبان‌شناسی شناختی در دهه‌های (۱۹۶۰) و (۱۹۷۰) در تأثیر از روانشناسی گشتالت و مقوله بندی در ذهن انسان شکل گرفت. پژوهش‌های نوینی که در چند دهه اخیر توسط زبان‌شناسان و فلاسفه، پیرامون مفهوم استعاره صورت گرفته، منجر به تعریفی جدید از استعاره گردید، در این رویکرد جدید استعاره صرفاً به عنوان مفهومی ادبی و زبانی تلقی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان ابزار بازنمایی فرآیندهای ذهنی در زبان از جایگاه ویژه‌ای در زبان‌شناسی جدید برخوردار است. لیکاف^۲ و جانسون^۳ با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» و ارائه شواهد بسیار نشان دادند که استعاره صرفاً به عنوان صنعتی ادبی و برای آرایش کلام به کار نمی‌رود، بلکه پایه و زیربنای شناخت و اندیشه است. نظریه استعاره مفهومی^۴ در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی^۵ طرح شده است که در آن توانایی زبانی انسان متمایز از دیگر توانایی‌های شناختی وی در نظر گرفته نمی‌شود و مبتنی بر مشاهدات و تجربه‌های انسان از جهان پیرامونش است (Abdul Karimi, ۱۳۹۳: ۱۷). استعاره در این چهارچوب کمک به درک یک قلمرو مفهومی و انتزاعی ناآشنا بر پایه قلمرو مفهومی آشنا تر و ملموس‌تر است. این حوزه و قلمروها به ترتیب حوزه مقصد و حوزه مبدأ خوانده می‌شوند. جاکل^۶ (۲۰۰۲) برای شناخت استعاره‌های مفهومی نه اصل را عنوان می‌کند و بحث درباره حوزه‌ها را به اصل «فرضیه حوزه»^۷ تعبیر می‌کند. با این تفاسیر استعاره مفهومی پدیده‌ای چند بعدی است و گاه به صورت موضوع پژوهش و گاه به عنوان ابزار پژوهش، مورد توجه پژوهشگران با دانش‌ها و تخصص‌های گوناگون قرار گرفته است. به همین ترتیب پژوهش حاضر نیز سعی دارد استعاره مفاهیم اخلاقی در بوستان سعدی را به طور مشخص با تمرکز بر نظریه لیکاف و جانسون و به طور خاص استعاره

مفهومی از نوع ساختاری بررسی کند. در مطالعات فرهنگ شناختی، بررسی، شناخت و توصیف مقوله‌های فرهنگی و همچنین تبیین دیدگاه شخصیت‌های درخشان عرصه تاریخ و فرهنگ مورد توجه قرار می‌گیرد از این رو بررسی بوستان سعدی با این رویکرد می‌تواند در ترسیم جهان بینی و درک دنیای ذهنی شیخ اجل به عنوان یکی از رفیع‌ترین قله‌های ادب فارسی و فرهنگ ایرانی-اسلامی سودمند باشد. به ویژه که در آثار سعدی حضور فرهنگ گذشته و استمرار سنت، به دلیل وسعت و گستردگی اندیشه‌های وی، به مراتب بیشتر از دیگر شاعران کلاسیک فارسی است (movahhed, ۱۳۹۲: ۴۵). این پژوهش در جستجوی آن است که بر اساس استعاره‌های مفهومی ساختاری بوستان بخش‌های پنهان سیمای سعدی را در اخلاق مداری ترسیم کند و نشان دهد که کدام جنبه از مفاهیم اخلاقی در نظر سعدی برجسته تر بوده اند و سعدی چگونه نگرش‌های مختلف زمانه خویش به این حوزه شناختی را در بوستان منعکس کرده است. سوال‌های اصلی این پژوهش شامل موارد ذیل است: ۱- قلمرو مبدأ استعاره‌های ساختاری مفاهیم اخلاقی در بوستان سعدی از چه حوزه‌هایی انتخاب شده است؟ ۲- کدام عنصر از حوزه مبدأ در استعاره‌های ساختاری برای تبیین مفاهیم اخلاقی بیشترین کاربرد را داشته است؟ جامعه آماری در این مطالعه تمام ابیات بوستان سعدی است و پژوهش به روش کتابخانه‌ای (توصیفی-تحلیلی) انجام شده است بدان شیوه که ابتدا استعاره‌های مفهومی از نوع ساختاری حوزه اخلاق از بوستان سعدی را مشخص نموده، سپس آنها را بر اساس تقسیم بندی لیکاف و جانسون از استعاره‌های مفهومی دسته بندی و تحلیل نموده ایم. چاپ یازدهم بوستان سعدی به تصحیح غلامحسین یوسفی که در سال ۱۳۹۱ توسط نشر خوارزمی منتشر شده است و ۴۰۱۰ بیت گزارش شده است، اساس کار ما در این نوشتار قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در سال ۱۹۷۷ اندرو آرتونی^۸ در مجموعه مقالات «استعاره و اندیشه» در طرح نظریه استعاره مفهومی پیشرو می‌شود و لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰ با کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم» به بسط و تبیین این نظریه می‌پردازند. در ۱۹۹۴ جانسون با ویرایش مجدد و تکمیل کتاب مذکور با فصلی تحت عنوان «نظریه معاصر استعاره» آن را

1. Chomsky, N.

2. Lakoff, G.

3. Johnson, M.

4. conceptual metaphor.

5. Cognitive linguistics.

6. Jaki, O

7. Domain Hypothesis

8. Artony, A

دوباره به چاپ رسانید.

از اوایل دهه هشتاد شمسی به تدریج توجه زبان‌شناسان ایرانی به نظریه استعاره مفهومی جلب شد و پس از آن منتقدان و پژوهشگران ادبی نیز به این نظریه علاقه نشان دادند.

درباره استعاره‌های مفهومی کتاب‌هایی از دیگر زبان‌ها به زبان فارسی ترجمه شده است و دانشمندان و پژوهشگران فارسی زبان بسیاری در این باره کتاب‌ها نوشته و قلم فرسایی نموده‌اند؛ اما در طبقه دیگر پایان‌نامه‌هایی قابل ذکر است که با موضوع استعاره‌های مفهومی نگارش یافته‌اند: یوسفی راد (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی استعاره زمان در زبان فارسی در چهارچوب معناشناسی شناختی» درباره علوم شناختی، فرآیندهای شناختی، زبان‌شناسی شناختی و حوزه‌های تحقیق در زبان‌شناسی شناختی پرداخته است. کریمی (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد «استعاره‌های مفهومی در حوزه درد در گویش کردی ایلام از منظر معنی شناختی» در زمرة آثاری قرار دارند که در حوزه استعاره‌های عواطف و درد با رویکرد معناشناسی شناختی نوشته شده است. جولایی (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد «استعاره‌های مفهومی از منظر معنی‌شناسی شناختی» و صامت (۱۳۹۲) پایان‌نامه کارشناسی ارشد «استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان فارسی» از مهم‌ترین آثاری هستند که با روش پیکره‌ای به تحلیل استعاره‌های مفهومی پرداخته‌اند. زوروز (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی» برای اولین بار به روش پیکره‌ای و با رویکرد شناختی به تحلیل استعاره‌های مفهومی در حوزه عواطف پرداخته است. در گروه مقاله‌هایی که بستر شکل‌گیری این پژوهش را فراهم کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هاشمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون» پس از ارائه گزارشی از «نظریه استعاره مفهومی»، به معرفی و نقد انواع، ماهیت و کارکردهای استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون پرداخته است. بهنام (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس» با استفاده از نظریه شناختی استعاره معاصر، کارکردهای استعاره نور و خوشه‌های تصویری مرتبط بدان یعنی خورشید، آفتاب، شمع، چراغ و... در غزل‌های مولوی تبیین کرده است. درزمینه بوستان سعدی قادری (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «استعاره بدن و فرهنگ» به تبیین استعاره دل، جگر، چشم در بوستان

پرداخته است. آهنگر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل استعاره‌های بوستان سعدی بر اساس نظریه آمیزه مفهومی» براساس نظریه فکونیه و ترنر استعاره‌های بوستان را تحلیل و در نهایت آنها را در سیزده حوزه تقسیم نموده است که شامل: (۱) جاندار پنداری، (۲) سفر برای مفهوم زندگی، (۳) استفاده از جهت‌ها برای هستاره‌های مثبت و منفی، (۴) پدیده‌های طبیعی، (۵) حیوانات، (۶) مزه‌ها، (۷) کشاورزی، (۸) اعضای بدن، (۹) مظهروف بودن هستاره‌هایی که ظرف نیستند، (۱۰) اشیاء، (۱۱) افعال، (۱۲) شخصیت‌های انسانی و (۱۳) محل می‌باشد. بهمینش و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «مقایسه استعاره مفهومی «دنیا» در اشعار سعدی و پروین» ۲۲۹ قطعه و قصیده دوشاعر را با هم مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که حوزه‌های مبدأشی، انسان، ساختمان، سفر، حیوان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت و جنگ در هردو شاعر مشترک بوده. همچنین در سال (۱۳۹۷) عباس محمدیان و مجید فرحانی زاده در مقاله‌ای با عنوان «شادی در دیوان شمس» به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند و آن را مفهومی قابل تطبیق و دریافت با حواس پنجگانه چون لامسه، شنوایی، بویایی و غیره معرفی می‌کنند. سراج و محمودی بختیاری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکردی شناختی» با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی به بررسی این مسئله پرداخته است که فردوسی برای بیان مفاهیم اخلاقی در شاهنامه از چه استعاره‌هایی استفاده کرده و از چه حوزه‌های مبدایی برای توصیف مفاهیم انتزاعی اخلاق بهره برده است. در این پژوهش تنها ۳۸۰۰ بیت از شاهنامه بررسی شده و چندان مطالعه فراگیر و کاملی در شاهنامه محسوب نمی‌شود.

مرتضی عبدی چاری و فاطمه هدایتی عزیزی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی استعاره مفهومی آیات مربوط به قیامت» در این مقاله به بررسی مفاهیم و استعارات مربوط به جهان مرگ و قیامت پرداخته و به این نتیجه رسیده که تعداد استعارات ساختاری در آن بیش از جهتی و ساختاری است. در مقاله «بررسی استعاره مفهومی «بذر» در مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» زهرا دهقان دهنوی و مهدی ملک ثابت (۱۳۹۸) پس از بررسی مرصادالعباد به این نتیجه رسیده است که بیشتر کاربرد استعاره بذر در مرصاد با این نداشت برابر است که «جهان خلقت بذر است» و برابر با آن خداوند در مقام خالق، کشاورز است. در پژوهشی دیگر

خصلتی، علوی مقدم و فیروزی مقدم (۱۴۰۱) استعاره ساختاری «هستی» را در دیوان بیدل بررسی کرده اند و به کمک این استعاره سعی در توضیح مفاهیم شعر وی به کمک استعاره ساختاری داشته اند. شهرستانی، طباطبایی لطفی و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «تاثیر جنسیت بر مفهوم‌سازی استعاره در روایت های زنانه و مردانه از جنگ تحمیلی» تفاوت به کارگیری استعاره مفهومی در آثار نویسندگان مرد و زن را بررسی کرده اند. حسینی و محمص (۱۴۰۱) نیز در مقاله ای با عنوان «استعاره مفهومی حبل در قرآن کریم» حوزه های مقصد این استعاره را بررسی کرده اند. پژوهش های بسیاری در قالب مقاله و استعاره مفهومی در علوم میان رشته ای مختلف بر متون فارسی انجام شده که در نمایه های پژوهشی قابل مشاهده و دسترسی است. اما از آنجا که تا کنون درباره مفاهیم اخلاقی در متون نظم و نثر فارسی به ویژه بوستان پژوهش کاملی انجام نشده بررسی و مطالعه در این زمینه بدیع و ضروری است.

چهارچوب نظری استعاره مفهومی

نخستین بار ردی^۱ در سال ۱۹۷۹ در مقاله «استعاره مجرا» تعریف جدیدی از استعاره ارائه داد. پس از آن لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰ با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم» استعاره مفهومی را معرفی کردند. از آن پس زبان‌شناسان شناختی دیگر مانند سوییتزر^۲ (۱۹۹۰)، ترنر^۳ (۱۹۹۱) و کوچس^۴ (۲۰۰۲) به گسترش مطالعات استعاره با رویکرد شناختی پرداختند. ردی (۱۹۷۹) در مقاله «استعاره مجرا» اذعان داشت که باید ذهن را سطح تحلیل استعاره‌ها دانست و نه زبان. لیکاف و جانسون نیز بر این نکته تاکید کردند که اندیشه جایگاه الگوهای تولید کننده عبارت های استعاره‌ای است. لیکاف در «نظریه معاصر استعاره»^۵ استعاره را ابزار تفکر و جهان بینی می‌داند. وی به همراه جانسون بر این باور بود که نظام مفهومی ذهن انسان که بر مبنای آن فکر و عمل می‌کند، مبنایی استعاره‌ای دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم سازی استعاره‌ای است (Lakoff & Johnson, 1980: 8). این نظام مفهومی دارای

نقشی اصلی در تبیین واقعیت های روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام دارای ساختاری استعاره‌ای است، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوزی و عمل کردن ما نیز زیر بنای استعاره‌ای دارد. استعاره‌های مفهومی ساز و کارهایی ذهنی اند و همگی آنها باز نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (Kovecses, 2010: 63). براساس نظریه استعاره شناختی نه تنها استعاره‌های سنتی، بلکه انواع صور خیال دیگر نیز در بسیاری موارد می‌توانند در محدوده استعاره شناختی قرار گیرند؛ زیرا اساس استعاره مفهومی وجود یک مقوله مبدأ و یک مقوله مقصد و ایجاد مطابقت میان آن هاست که در صور خیال دیگر نیز رخ می‌دهد. استین^۶ (۱۹۹۴) آنچه از استعاره در ذهن انسان است را استعاره مفهومی و نمود زبانی آن را استعاره مفهومی می‌گوید؛ بر این اساس می‌توان استعاره زبانی را باز نمودی از استعاره مفهومی دانست (Deignan, 2005: 14).

اجزای استعاره مفهومی نگاشت^۸

زبان‌شناسی، نگاشت را که مفهوم اصلی در نظریه استعاره مفهومی می‌باشد، از دانش ریاضیات وام گرفته است. این اصطلاح به تناظرهای^۷ نظام مندی که میان بعضی حوزه های مفهومی برقرار است، اطلاق می‌شود. لیکاف با مطرح کردن مثال هایی همچون «ازدواج ما به آخر خط رسیده است»، «رابطه ما در دست انداز افتاده است» و... نشان می‌دهد که همه این ساخت ها از الگوی شناختی {عشق سفر است} پیروی می‌کنند. در این الگوی شناختی عاشق با مسافر، خطرات و موانع مسیر با مشکلاتی که عاشق برای در راه وصال باید پشت سر بگذارد و رابطه عاشقانه با سفر متناظرند. لیکاف الگوی ثابت {عشق سفر است} را نام نگاشت می‌نامد و آن را باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره می‌داند. بر تفاوت میان نام نگاشت و نگاشت تاکید می‌ورزد. وی نگاشت را مجموعه ای از تناظرهای میان دو طرف استعاره و نام نگاشت را باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره می‌داند (Lakoff, 1993: 4). نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که نام نگاشت صرفاً فرمولی است که برای تحلیل استعاره‌ها به کار گرفته می‌شود و نباید آن را

1. Reddy, M.
2. The Conduit Metaphor.
3. Sweetser, E.
4. Turner, m.
5. Kovecses, Z.
6. Contemporary theory of metaphor.

7. Steen, G
8. Mapping.
9. Correspondence.

وی با کارکردهایش در محیط بیرون یکسان است. (Lakoff & Johnson, 1980: 14)

اگرچه کاربرد اغلب استعاره‌ها انتخابی و اختیاری نیست به این دلیل که آنها ریشه در تجربه‌های فردی و فیزیکی انسان دارند اما بسته به فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف ممکن است تغییر کنند زیرا این استعاره‌ها با وجود ماهیت مادی مشترک که ناشی از ساختار یکسان بدن انسان و عملکرد آن است از فرهنگ و زبانی به فرهنگ و زبان دیگر دیگر قابلیت تفاوت و تغییر دارند (Afrashi, ۱۳۹۵: ۲۰).

استعاره هستی‌شناختی^۴

به واسطه استعاره هستی‌شناختی یک حوزه مفهومی عینی و محسوس بر یک حوزه مفهومی انتزاعی نگاشته می‌شود. برقراری این رابطه مفهومی به ما کمک می‌کند بتوانیم اشخاص، احساسات، اشیاء و... را بهتر درک کنیم. به بیان دیگر استعاره هستی‌شناختی، امکانی را مهیا می‌سازد که ما از طریق مواد، اشیاء، اشخاص و امور عینی به دریافت بهتری از وقایع، فعالیت‌ها، احساسات، ایده‌ها و... دست یابیم (Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰: ۲۵). تعیین موقعیتی که ما به واسطه آن بتوانیم تجربیات خود را در قالب اشیاء، مواد و... درک کنیم، وظیفه شناختی مهمی است که استعاره هستی‌شناختی آن را به عهده گرفته است؛ برای مثال اگر ما ذهن را به صورت شکل در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را به شکل «دستگاه» تصور کنیم و در نتیجه از آن ساختار منظم‌تری برای فهم بسازیم (Kovecses, et al, ۱۳۹۳: ۶۵ و ۶۴). شایان ذکر است، از آنجایی که دانش ما نسبت به اشیاء، اجسام و ظروف محدود است، نمی‌توانیم در مقولات بسیار عام از آنها استفاده کنیم و این کار کرد بیشتر بر عهده شکل ساختاری استعاره مفهومی است. لیکاف و جانسون ذیل استعاره هستی‌شناختی از سه نوع «هستومند و ماده^۵»، «ظرف^۶» و «انسان پنداری^۷» نام برده‌اند.

استعاره ساختاری^۸

درحقیقت منظور از استعاره مفهومی و آنچه تاکنون شرح داده شد همین استعاره ساختاری است و استعاره‌های هستی‌شناختی و جهت‌ی خردنگاشت‌هایی‌اند که اغلب

جمله واقعی زبان فرض کنیم. همچنین باید توجه داشت که ممکن است نگاشت‌های استعاری در طول زمان دچار تغییر و تحول شوند. (Afrashi, ۱۳۹۵: ۴).

قلمرو مبدأ^۱ و قلمرو مقصد^۲

چنانچه پیش از این بیان شد به رابطه نظام‌مندی که میان مفاهیم دو حوزه روی می‌دهد نگاشت گفته می‌شود. از این دو حوزه، یکی حوزه مقصد و دیگری حوزه مبدأ نام دارد. حوزه مبدأ مفاهیم عینی، ملموس و و حوزه مقصد، مفاهیم انتزاعی‌تر را شامل می‌شود. (همان: ۴۵) در واقع درک مفاهیم واقع در حوزه مقصد به ساز و کارهای استدلالی و پیچیده نیاز دارد. «در فرایند تفکر استعاری مفاهیم ملموس از حوزه مبدأ بر حوزه مقصد انطباق می‌یابد و به ما کمک می‌کند درکی بهتر و روشن‌تر از مفهوم انتزاعی قلمرو مقصد داشته باشیم. گفتنی است استعاره نوعی شباهت میان این دو قلمرو را پدید می‌آورد» (Mohammadian and Farhanizadeh, ۱۳۹۷: ۳۲۶).

انواع استعاره‌های مفهومی

طبق نظریه لیکاف و جانسون استعاره‌های مفهومی با توجه به ویژگی‌های حوزه مبدأ در سه دسته استعاره‌های ساختاری، استعاره‌های جهت‌ی و استعاره‌های هستی‌شناختی تقسیم شده‌اند. که به صورت خلاصه در این بخش درباره آنها توضیحی داده می‌شود.

استعاره جهت‌ی^۳

استعاره‌های جهت‌ی یا وضعی بر مبنای جهات اصلی به عنوان حوزه مبدأ به وجود آمده و با مفاهیمی که نشانگر جهت و موقعیت مکانی هستند مانند «بالا و پایین»، «درون و بیرون»، «جلو و عقب»، «عمق و سطح»، «مرکز و حاشیه» و... مرتبط می‌باشند. چنان که صائب تبریزی در غزلی آورده: «عشق بالاتر از آن است که در وصف آید» در این مصرع منطق حاکم بر زیر ساخت جمله بیان می‌دارد که: عشق بالا است. در واقع این نوع از استعاره‌های مفهومی به مفاهیم جهت‌گیری فضایی می‌دهند. کارکرد استعاری این جهت‌گیری‌های فضایی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که بدن انسان مکان مند و فضایی است و شکل عملکرد جسم

4. Ontological metaphor.

5. Entity and Substance

6. Container

7. Personification

8. Structural metaphor.

1. Source domain.

2. Target domain.

3. Directional metaphor.

زیرمجموعه استعاره‌های ساختاری قرار می‌گیرند. در مثال «استدلال ساختمان است» مشاهده می‌کنیم که چگونه نظام مفهومی انتزاعی استدلال، توسط حوزه مفهومی محسوس ساختمان درک می‌شود و از این راه جمله استعاری زیر در زبان به کار برده می‌شود: چهارچوب استدلال هایش بسیار محکم است (Afrashi and others, 1391: 7). یکی از ویژگی‌های این نوع استعاره، وجود تناظرها و انطباق‌های ساخت مند و بسیار پرمایه میان دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد است. این تناظرها چنان متراکم و پرنگند که به گوینده این امکان را می‌دهد که با استفاده از ساختار حوزه (ب)، حوزه (الف) را درک کند. به صورت بندی مفهوم زمان در قالب حرکت و مکان دقت کنید. در استعاره زمان حرکت است «ما زمان را به واسطه برخی عناصر پایه ای مانند اجسام، جایشان و حرکتشان درک می‌کنیم» (Kovecses, et al, 1393: 62). انطباقهایی چون «زمان شیء است»، «گذر زمان حرکت است»، «آینده در برابر ناظر است و گذشته پشت سر او حاصل این استعاره هستند. حاصل این انطباق‌ها می‌تواند به شکل جملات ذیل در زبان ظاهر شود: «زمان عمل رسیده است». «من چشم به راه آمدن کریسمس هستم» (همان: 62 و 63).

برای تکمیل بحث لازم است ذکر شود که ترنر (1989) استعاره‌های تصویری^۱ را به این طبقه بندی افزود و کوچش (۲۰۱۰) کلان استعاره‌ها^۲ را در این دسته بندی مشخص نمود.

تعریف اخلاق

ابن مسکویه بر این باور بود: «خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند؛ بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد» (Ibn Moskawieh Razi, 1381: 15). گروهی نیز اخلاق را دانش مطالعه صفات هلاک کننده و نجات بخش و چگونگی گرویدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده می‌دانند. (Mesbah Yazdi, 1381: 18) در غرب ریشه حسن و قبح و خاستگاه احکام اخلاقی را قراردادهای اجتماعی و فردی می‌دانند؛ ریشه این نظریه به یونان و سوفسطاییان در زمان سقراط می‌رسد. از نظر ایشان این آگاهی حاصل تجربه مردم و شناخت آنها از خیر و شر و ظلم و عدل است. (Plato,

۱۳۶۷: ۹۱۴) «افلاطون و ارسطو از هماهنگی سه قوه یعنی خشم و شهوت و عقل صفت حکمت را حاصل می‌کنند که فضیلت عدل از آن برمی‌خیزد و فضیلت شجاعت را متعلق به قوه خشم و عفت را به قوه شهوت مربوط می‌کنند؛ ابن مسکویه در تهذیب الاخلاق و خواجه نصرالدین در اخلاق ناصری همین معنای ارسطویی از عدل را در نظر دارند پس زمانی که فردی به این توانایی یعنی هماهنگی هر سه قوه با هم دست نیافته فرد فاضلی نیست و فعلی که از وی سر می‌زند فضیلت محسوب نمی‌شود. تأکید بر عقل و خرد ورزی و انتخاب فعل درست در موقعیت مناسب توسط شخص عادل (در معنای ارسطویی) از ویژگی‌های این اندیشه است» (Zamani, 1394: 90). این بحث در میان اندیشمندان مسلمان از ابن سینا تاکنون به گونه‌های متفاوتی طرح شده که از آن جمله می‌توان به نظریات حسن و قبح ذاتی و الهی اشاره کرد. اما در تشخیص مفاهیم اخلاقی عده ای عقل را مستقل و اعمال انسانی را داری حسن و قبح ذاتی می‌دانند، همچون حسن و قبح ظلم که معتزله به آن باور دارند، و گروهی بر آنند که افعال حسن و قبح عقلی ندارند و وصف آنها با خوب و بد تابع شارع است (Fatemi Tabar, and Monzavi, 1387: 8).

داده‌های پژوهش

در استعاره‌های ساختاری یا ساختی یک مفهوم به شکل استعاری در چارچوب مفهومی دیگر سازمان می‌یابد. در این نوع از استعاره‌های شناختی، برخلاف استعاره‌های هستی شناختی، جزئیات زیادی از حوزه شناختی مبدأ به کار گرفته می‌شود تا مفهومی در حوزه مقصد شکل بگیرد. به عبارت دیگر ساختار دقیق تصویری که در حوزه مبدأ قرار گرفته است به ساختار حوزه مقصد بازتاب می‌یابد (Seraj, and Mahmoudi, 1397: 136).

کوچش مفاهیم حوزه مبدأ را به مباحث عینی و قابل لمس گسترده ای تقسیم کرده و از آن با عنوان کلان استعاره‌ها یاد کرده که شامل مواردی چون بدن انسان، سلامتی و بیماری، حیوانات، گیاهان، غذا و خوردنی‌ها، گرما و سرما، نور و تاریکی، نیرو، حرکت و جهت می‌باشد در دسته بندی لیکاف و جانسون این موارد هریک زیر گروه استعاره‌های هستی‌شناسانه، جهتی و ساختاری هستند. در این بخش استعاره‌های ساختاری را نه براساس کلان استعاره‌ها بلکه به روشی جزئی تر دسته بندی و با بیان زیر

1. Image Metaphors.

2. Mega metaphors.

ذهنی است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
سنگ	آز	بر اوج فلک چون پرد جره باز/ که در شه پرش بسته ای سنگ آز؟ 2714

آتش: با تکرار ۴۷ بار کلمه «آتش» در بوستان می توان گفت که از کلمات تصویرساز بوستان محسوب می شود. از میان کلمه و ترکیباتی که با آن شبکه های معنایی و تصویری خلق شده بیشترین ارتباط را با کلمه «نی» پیدا می کند سپس «ابراهیم» و «گلستان». مفاهیم مرتبط با «عشق» و «اشتیاق» در ردیف سوم این شبکه معنا سازی قرار می گیرند. از این میان استعاره های مفهومی حوزه اخلاق در بوستان سعدی از حوزه مبدأ «آتش» چشم گیر است؛ اما از آن صرفاً برای تبیین ردایل بهره برده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
آتش	ظلم	نه پیش از تو بیش از تو اندوختند / به بیداد کردن جهان سوختند؟ ۹۴۱
	هوس	جوی نیکنمی نیندوخته / هوی و هوس خرمنش سوخته ۲۰۲۹
	سخن چینی	میان دو کس آتش افروختن / نه عقل است و خود در میان سوختن ۳۱۱۱

باد: سعدی سی بار کلمه «باد»، عنصری وزنده از عناصر چهارگانه را در بوستان ذکر کرده و از آن در ترکیباتی چون «باد اجل»، «باد صبا»، «باد سرد»، «باد و برف»، «باد سحر» و... بهره برده است؛ اما آن نگاشت مشهور متون اخلاقی که «هوی/هوس باد است»، تنها یک بار در بوستان دیده می شود که نشان از ناپایداری و گذرا بودن هوس است. او در یک مورد هم «باد» را از حوزه مبدأ برای توضیح ریاکاری و تهی بودن آن بیرون کشیده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
باد	هوی	به گردن در آتش در اوفتاده ای / به باد هوی عمر بر داده ای ۲۰۴۶
	ریا	که لعنت بر این نسل ناپاک باد / که نامند و ناموس و زرقند و باد 2234

ابر: ابر در بوستان با کلماتی چون «قطره»، «گریه» و «آفتاب» بیشترین شبکه توسعه معنایی و تصویری را ایجاد کرده، با وجود این بیش از ده بار در بوستان تکرار نشده و البته به صورت «میغ» نیز در همین معنی پنج بار سعدی به آن توجه کرده است و از این میان تنها دوبار در فرم یک استعاره

مجموعه ها نمونه ای از هریک ذکر شده؛ چرا که همه استعاره های ساختاری در بوستان سعدی زیر مجموعه دسته بندی کوچش قرار نگرفت و نیاز به افزودن و کاستن مواردی از استعاره های جهتی و هستومند شدیم که در بخش جدول و آمار نام نگاشت ها و موارد دیگر به تفصیل بیان شده است.

۱- عناصر طبیعی

گیاها: در بوستان امر اخلاقی گیاهی تلقی شده که دانه دارد، می توان آن را کاشت، پرورد و یا از ریشه کند و نابود کرد. این مفهوم به عناوینی چون تخم و دانه، ریشه، اصل و شاخه، برگ، گل و میوه تقسیم می شود. برای مثال احسان درختی است که ثمر دارد و... در جدول ذیل برای مفهوم پردازی فضیلت ها و ردیلت های اخلاقی از گیاه و ویژگی های آن استفاده شده است؛

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
گیاه	داد	مکن جان من تخم دین ورز و داد / مده خرمن نیکنمی به باد ۳۸۳۶
	احسان و کرم	اگر پرورانی درخت کرم / بر نیکنمی خوری لاجرم ۲۲۵۴
	معرفت	برو خوشه چین باش سعدی صفت / که گرد آوری خرمن معرفت ۳۸۲۸
	امید	برومند دارش درخت امید / سرش سبز و رویش به رحمت سفید 193

زمین: در بوستان مروت به عنوان بستر و زمینی مناسب برای تعاملات انسانی معرفی شده است و تقوی و انصاف سرزمین قابل سکونت است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
کشتزار	مروت	مروت زمین است و سرمایه زرع / بده کاصل خالی نماند ز فرع ۲۸۴۲
سرزمین	انصاف و تقوی	مقیمش در انصاف و تقوی بدار/ مرادش به دنیا و عقبی برآر ۱۸۵

سنگ: در تبیین امر اخلاقی ناپسند به جهت سختی و منع کنندگی از «سنگ» استفاده شده است. نگاشت «آز سنگ است» از آن جهت آمده که مانع پرواز و رشد روحانی است. سعدی ۶۷ هفت بار لفظ «سنگ» را در بوستان به کار برده و پرکاربردترین ترکیبی که از آن در بوستان به چشم می خورد «سنگدل» است که حاصل نوعی تشبیه عینی به

همسنگ نجات، رهایی و زندگی دارد و سعدی هجده بار در بوستان از آن نام برده است که یازده بار آن برابر بوده با مفاهیم اخلاقی ای چون لطف، عدل، خوشبختی و بخشش.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
سایه	لطف و محبت	پیمبر صفت رحمه العالمین / تویی سایه لطف حق بر زمین ۱۵۷۵
		پدر مرده را سایه بر سر فکن / غبارش بیفشان و خارش بکن 1142

۲- ابزار

ابزار جنگ و شکار: در بوستان «بیداد و جور» به مثابه ابزار و ادوات کشنده تصویر شده اند که مسبب قتل، زجر و خونریزی هستند. اما این حوزه مبدأ صرفاً برای مفاهیم اخلاقی منفی به کار نرفته است. انگاره شمشیر بر مفهوم احسان نگاشته شده است و نشان از این دارد که مفهوم احسان در اندیشه سعدی، مفهومی است که قدرت تأثیرگذاری و نفوذ بسیار بالایی بر جان آدمی دارد. مفهوم احسان، هم چنین با مفاهیمی چون بند، کمند و ریسمان و به طور کلی قیدی که می توان دیگران را با آن شکار کرد تصویر شده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
ابزار قتال	جور	به سالی ز جورت جگر خون کنم/ به یک ساعت از دل برون چون کنم؟ ۲۴۰۷
	ستم	کشد تیر پیکار و تیغ ستم/ به یک بار و بوی دهن دم به دم ۹۱۵
شمشیر	احسان	مرا بار لطفش دو تا کرد پشت / به شمشیر احسان و فضلیم بکشت ۱۴۴۵
	بیم	چو عزمش برآخت شمشیر بیم / به معجز میان قمر زد دو نیم 73
کمند	احسان	نه این ریسمان می برد با منش/ که احسان کمندی است در گردنش ۱۳۴۷
	لطف	عدو را به الطاف گردن بند/ که نتوان بریدن به تیغ این کمند ۱۳۳۷

ابزار دیوانی و حکومتی: در این مجموعه استفاده از کلمات دیوانی در نگاشت مفاهیم اخلاقی گسترده‌تری چندانی ندارد؛ با وجود این، بیشتر فضایل اخلاقی را در قلمرو مقصد تبیین می‌کند و رعایت فضایل اخلاقی در آن نوعی به دولت رسیدن است؛ اما در یک مورد هم «تکبر» با «تاج» برابر شده است.

ساختاری آمده است آنچنان که از سنت ادب فارسی نیز بر می‌آید این کلمه در تبیین کرم و بخشش آمده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
ابر	کرم	توان گفت او را سحاب کرم / که دستش چو باران فشاندی درم ۱۴۱۳

باران: عجیب نیست اگر روشن شود کلمه ای که بیشترین شبکه را در بوستان با باران ساخته «سیل» است. شناخت جغرافیای زیستی شاعر به درک بهتر دایره لغات عینی وی کمک شایانی می‌کند؛ اما با همه این توصیفات در سرزمین های خشک و کم باران، بارش آسمان با کلماتی چون رحمت و جود برابر است و همان نگاشت را در بوستان می‌سازد. هرچند کم کاربرد، با آن که کلمه باران نوزده بار در این مجموعه شعر آمده باشد، در بوستان باران در سه استعاره ساختاری نمود پیدا کرده است.

باران	رحمت	خدایا برآن تربت نامدار/ به فضل که باران رحمت بهار 173
	جود	بر ایشان بیارید باران جود/ فرو شستشان گرد ذل از وجود ۲۳۰۶

دریا: در ادب فارسی دریا منبع خیر و برکت و بخشش است و این نگاشت از پرکاربردترین تصاویر تطبیقی دو حوزه عینی و ذهنی ادبیات فارسی است و در اکثر استعارات فارسی دیده می‌شود. در بوستان نیز نوزده بار لفظ «دریا» ذکر شده است و بیشترین همراهی را با کلمات «هامون» و «موج» هر کدام سه بار داشته است؛ اما تنها دومورد از موارد ذکر شده در تبیین مفاهیم اخلاقی و اتفاقاً در تأیید همان نگاشت عرفی و سنتی تاریخ و فرهنگ ایران است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
دریا	بخشایش	زهی بحر بخشایش و کان جود / که مستظهرند از وجودت وجود ۱۵۸

خورشید: سعدی در بوستان ۹ بار از خورشید برای رساندن مفاهیمی چون بلندی، روشنایی و درخشش یاد کرده و از این میان یک بار آن را سرچشمه لطف و کرم دانسته و نگاشت «خورشید لطف است» حاصل شده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
خورشید	لطف	ز خورشید لطف شعاعی بسم / که جز در شعاقت نبیند کسم ۳۹۳۸

سایه: در سرزمینهای گرم و غالباً آفتابی، سایه ارزشی

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
نردبان	تواضع	بلندیت باید تواضع گزین / که آن بام را نیست سَلَم جز این ۲۰۰۰

زینت: «بی آزاری زینت است» این نگاشت نوعی پارادوکس تصویری از نبودن و بودن ایجاد کرده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
زیور	بی آزاری	ملک را همین ملک پیرایه بس / که راضی نگردد به آزار کس ۳۲۱
	عفت	چو ظاهر به عفت بیاراستم / تصرف مکن در کژ و راستم 3299
سرمه	غفلت	بکن سرمه غفلت از چشم پاک / که فردا شوی سرمه در چشم خاک 3705

بوی خوش: از قلمرو «عطر» و «بو» نگاشتی برای «وفا» در بوستان صورت گرفته که امروزه در اصطلاح عوام اثری از آن هست آن که «فلان بویی از وفا برده یا نبرده».

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
رایحه	وفا	در او دم چو غنچه دمی از وفا / که از خنده افتد چو گل در قفا 3188

درج: این کلمه در بوستان به معنی طومار و نامه برابر «طمع» قرار گرفته است و قابلیت جمع شدن و گشودن و به قول سعدی «درنوشتن» از آن در نظر بوده و یا قابلیت کشسانی و کنترل پذیری آن:

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
درج	طمع	کسی را که درج طمع در نوشت / نباید به کس عبد و خادم نبشت 2749

دام: یکی از عناصری که در بوستان سعدی به صراحت مفاهیم شکار را برای موضوعات اخلاقی تداعی می کند، دام است. سعدی مفاهیم منفی اخلاقی نظیر جور، آز، غرور و طمع را به مثابه دامی تلقی می کند که می توانند انسان را گرفتار خود سازد و مانع رشد او شوند. اگر غرور و تکبر را از عناصر هم گروه و مشابه بدانیم، برای آن از نگاشت هایی چون «تکبر شراب است»، «تکبر تاج است» نیز استفاده شده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
دام	آز	بلاجوی باشد گرفتار آز / من و خانه من بعد و نان و پیاز ۲۷۹۴
	غرور	به دست و زبان منع کردش که دور / منه بر سرم پای بند غرور ۲۰۹۷

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
تاج	تکبر	به دولت کسانی سرافراختند / که تاج تکبر بیانداختند ۲۲۵۶
	عفو	گرم پای ایمان نلغزد ز جای / به سر برنهم تاج عفو خدای ۲۴۱۹

بال پرواز: با آن که به نظر می رسد پرواز و اوج گرفتن

از مفاهیم مورد توجه شاعران و نویسندگان فارسی باشد، اما در بوستان تنها یکبار از این حوزه برای حوزه مقصد «محبت» نگاشتی صورت گرفته که همین مورد واقعگرایی و روزمرگی خارج از خیال پردازی در تبیین موضوعات اخلاقی و استفاده از حوزه های کاربردی و ملموس را دستور کار سعدی در بوستان معرفی می کند. در این دسته بندی بال را ابزاری برای انسان در نظر گرفتیم.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
بال	محبت	به پای طلب ره بدان جا بری / وز آنجا به بال محبت پری 61

پرویزن: از نظر تصویری نیز معرفت و شناخت با

عنصری چون سرند و پرویزن که قابلیت جدا کردن سره و ناسره دارد نزدیک است و استفاده از آن برای بیان ارزش آگاهی و شناخت انتخاب به جایی است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
پرویزن	معرفت	به پرویزن معرفت بیخته / به شهد عبارت برآمیکته ۹۲۷

ترازو: عدل به مثابه میزان و ترازو، استعاره ای است که

در متون دینی و به تبع آن در سایر متون اخلاقی و تعلیمی نیز فراوان به کار رفته است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
ترازو	عدل	یکی زین چو بر دیگری یافت دست / ترازوی عدل طبیعت شکست ۳۴۵۴

تعویذ: «احسان تعویذ است.» به پیشنهاد سعدی برای

در امان ماندن از شر دشمنان به ایشان احسان کنید.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
تعویذ	احسان	گر اندیشه باشد ز خصمت گزند / به تعویذ احسان زبانش ببند ۹۹۶

نردبان: نوعی تضاد معنایی و تصویری در ارتباط با این

نگاشت وجود دارد که حاصل کار ادبیت متن است:

۳- ساختمان و بنا

بنا: نکته جالب توجه در این مطالعه آن است که مفهوم ساختمان و بنا صرفاً برای بیان مفاهیم مثبت اخلاقی به کار گرفته شده‌اند. کرم، معرفت، عفو، تقوی و لطف به مثابه ساختمان‌هایی دارای، پی و آستانه و در و درگاه به تصویر درآمده‌اند.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
بنا	کرم	به بیچارگی هرکه آمد برم / نیندازمش ز آستان کرم ۲۰۵۴

۴- منسوجات

پوشش برای انسان ابتدا کارکردی حفاظتی دارد؛ سعدی با مفهوم «پرده» برای «حلم و عفو»، «کسوت» برای «معرفت»، «کلاه» برای «سعادت» و «گلیم» برای «شقاوت» مفاهیم اخلاقی را درونی و قابل درک کرده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
کلاه	سعادت	کلاه سعادت یکی بر سرش / گلیم شقاوت یکی در برش ۲۱
پوشش و لباس	معرفت	وگر کسوت معرفت در برم / نماند، به بسیار از این کمتر ۲۴۲۰
پرده	حلم	دو کونش یکی قطره از بحر علم / گنه بیند و پرده پوشد به حلم ۷
	چشم پوشی	پس پرده بیند عملهای بد / هم‌پرده پوشد به آلائی خود ۲۴

۵- شغل

ر بوستان هر فضیلت و رذیلتی می تواند شغل و پیشه ای باشد پیشه های خیر و شر سیاهه ای دارد که عموماً در متون دینی به آن اشاره شده و مؤمنان به آن توجه دارند. این نگاشت به خاطر مذموم بودن بی کاری در متون اسلامی در بوستان مورد توجه است، چراکه در نام نگاشت هایی که از فرهنگ عامه بر می آید تنبلی برابر کافری و بدبختی است (savagheb, ۱۳۸۹: ۵۶). در بوستان ستم و مفاهیم مرتبط و یا در تضاد با آن را به صورت فعل انجام دادنی و یا شغل و پیشه تکرار شونده آمده است و با فعل یار «کرد»، یا پسوند صفت ساز «کار» و یا همراه اسم «پیشه» همراه شده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
شغل پیشه	جفا	بد انجام رفت و بد اندیشه کرد / که با زیر دستان جفا پیشه کرد ۶۵۴
	کرم	الا گر جفاکاری اندیشه کن / وفا پیش گیر و کرم پیشه کن ۱۲۸۳

۶- نوشیدنی

مسکرات: در بوستان کبر «مسکر» است و خاصیت مست کنندگی دارد و متکبر نیز مست است. برای تبیین مفهوم غفلت نیز از همین حوزه معنایی استفاده شده است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
نوشیدنی مست کننده	کبر	جوان را سر از کبر و پندار مست / چو پیران به کنج عبادت نشست ۲۱۶۶
	غفلت	گنهکار و خودرای و شهوت پرست / به غفلت شب و روز مخمور و مست 2034

۷- رقابت

بخشش و ایثار با مفهوم رقابت و لوازم آن مانند گوی و سبق بردن و جور با مفهوم تجربه عینی سازی شده است. این رقابت شاید بتواند در دسته بندی کلان استعاره‌ها از جمله بازی و سرگرمی ها باشد؛ اما از نظر هدف و نتیجه در حوزه معنایی مشترکی با اخلاق قرار نمی گیرند.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
رقابت	ایثار	به ایثار مردان سبق برده اند / نه شب زنده داران دل مرده اند ۱۳۸۱
	جور	کسی گفت جور آزمودی و درد / دگر گرد سودای باطل مگرد ۲۸۶۲

۸- نیرو

چنان که در دسته بندی کلان استعاره‌های کوچش نیروذکر شده در بوستان نیروی مثبت برای امور اخلاقی پسندیده و نیروی منفی در امور اخلاقی ناپسند مشهود است:

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
نیرو	جور	خرابی و بد نامی آید زجور / رسد پیش بین این سخن را به غور ۲۳۵
	صبر	نه نیروی صبرم نه جای ستیز / نه امکان بودن نه پای گریز ۱۶۷۲

۹- اعضای بدن

به نظر می رسد که اعضای بدن از پرکاربردترین حوزه های مبدأ در تبیین مفاهیم انتزاعی است با وجود این پیش فرض، استعاره ساختاری چندانی در این حوزه در بوستان دیده نشد جز مواردی چون «دندان، نفس و مو»

موی: پریشانی صفت بارزی است که در زبان فارسی عمدتاً برای موی استفاده می شود و از آن آشفتگی، به هم

نامیده می شوند و رفتارهای صحیح و منطبق با آموزه های اخلاقی، رفتارهای پاک تلقی می گردند و از آن طرف افراد، رفتار و افکار غیر اخلاقی، ناپاک و کثیف نامیده می شوند.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
ناپاکی و آلودگی	خیانت	دل از کفر و دست از خیانت نشست / خدایش برآورد کامی که جست ۳۹۷۵
پاکی	خلق و خوی	الا ای خردمند پاکیزه خوی / خردمند نشنیده ام عیب جوی ۱۱۷

۱۳- سرمایه

«امید سرمایه و بضاعت است». از دیدگاه اقتصادی آن دارایی نقدی و غیر نقدی که دارای ارزش مادی باشد، سرمایه است. در بوستان این نگاشت علاوه بر امید در مورد «دانش» نیز به کار رفته است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
سرمایه	امید	بضاعت نیاوردم الا امید / خدایا ز عقوم مکن ناامید 4011
	دانش	جهان گشته و دانش اندوخته / سفر کرده و صحبت آموخته 312

۱۴- بیماری و آسیب فیزیکی

در نگاشت «ظلم درد است» با انتخاب کلمه «درد» برای تبیین تاثیر «ظلم» به آسیبهای روانی هم علاوه بر تاثیر فیزیکی ظلم می توان اشاره کرد.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
زخم/ درد	ظلم	مکن تا توانی دل خلق ریش/ وگر میکنی میکنی بیخ خویش ۲۲۴

بحث و نتیجه گیری

استعاره در زبانشناسی شناختی در معنی الگوی تداعی مفهوم است. و عالمان این علم استعاره را «فهم یک حوزه مفهومی برحسب حوزه مفهومی دیگر» تعریف کرده اند و درک تجربه چیزی در چارچوب چیز دیگر را سرشت استعاره دانسته اند. در این شیوه استفاده از ابزار و وسایل آشنا و غالباً در دسترس عموم از حوزه مبدأ برای تبیین مفاهیم انتزاعی اخلاق یکی از راه هایی است که سر به درک عموم دارد و کارکرد شناختی آن با تجارب روزمره مردم در ارتباط است.

براساس دسته بندی لیکاف و جانسون در میان ۲۱۲ استعاره مفهومی از نوع ساختاری که در بوستان یافت شد، ۲۳ کلان استعاره از حوزه متفاوت مبدأ دیده می شود که هر

ریختگی و نامرتبی در نظر می آید حال اگر این صفت به امور ذهنی ای چون حال، خلق و خو و اندیشه داده شود همین تداعی معانی و فراخوان کلمات را به همراه دارد. در این بیت سعدی آشفتگی افکار را با این صفت به عقل نسبت داده و خاصیت به هم ریختگی آن را چون موی نشان داده است:

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
موی	عقل	پریشیده عقل و پراکنده هوش / ز قول نصیحتگر آکنده گوش 1704

۱۰- راه و مسیر

امر اخلاقی در بوستان راهی است که می توان در آن پای نهاد یا از آن بازگشت. عموماً در امور اخلاقی ناپسند بازگشت از مسیر شر و در امور اخلاقی خیر رفتن به مسیر توصیه می شود؛ در باره مفاهیمی چون ظلم، بدخویی، خشم انتخاب مسیر بازگشت توصیه شده، در امید، وفا، صدق و عقل رفتن به مسیر مورد نظر است.

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره	بسامد
مسیر	ظلم	تو را چاره از ظلم برگشتن است/ نه بیچاره بی گنه کشتن است ۸۵۷	۱۰
	وفا	الا گر جفا کاری اندیشه کن/ وفا پیش گیر و کرم پیشه کن 1283	

۱۱- دما

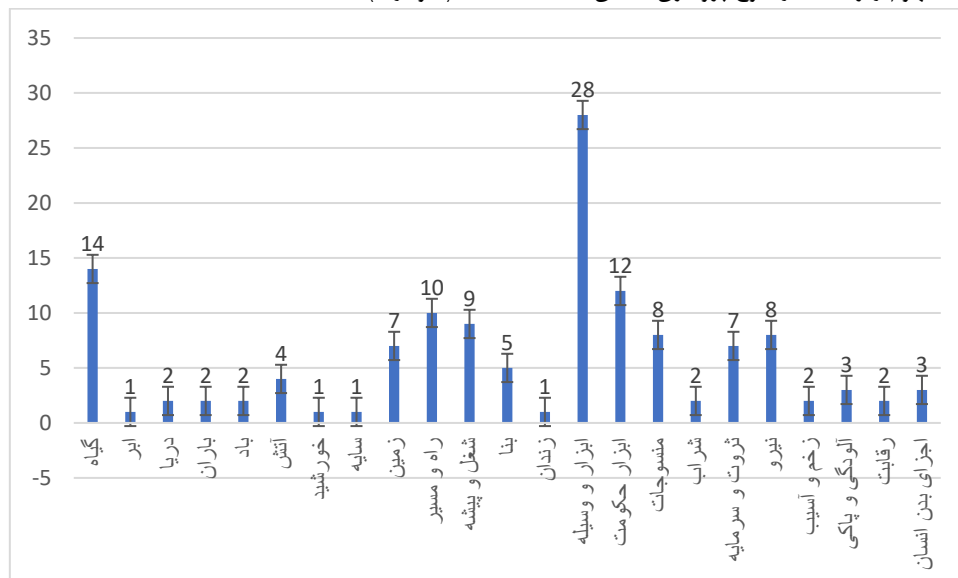
در سرزمین های بیابانی گرما بیش از سرما در ذهن نویسندگان و شاعران نقش دارد و کاربرد عناصر وابسته به آن چون آتش، سوزاندن، اخگر و... بیشتر در استعاره های شناختی دیده می شود اما در در یک مورد هم سعدی ستم را به سردی در معنای کار خنک و ناپسند استفاده کرده است:

مبدأ	مقصد	عبارت دارای استعاره
سردی	ستم	که پرورده کشتن نه مردی بود / ستم در پی داد، سردی بود 367

۱۲- آلودگی و پاکی

در فرهنگ ایرانی از دیر باز استعاره های پاک / پاکی و مفهوم مقابل آن ناپاکی و آلودگی پر رواج و مبنایی ترین استعاره های مفاهیم اخلاقی هستند که ریشه در آیین زرتشتی، اسلام و سابقه احکام شرعی این ادیان در ایران دارد. بخش مهمی از درک و داوری مفاهیم اخلاقی متأثر از این استعاره ها است. انسان های اخلاق مدار معمولاً پاک

کدام زیر شاخه‌هایی از همان مجموعه را شامل می‌شوند به طور مثال ابزار که پر کاربردترین حوزه در این میانه است شامل بیست مفهوم زیر شاخه از نوع پرویزن، انبان، کمند



نمودار ۱. فراوانی کلمات و اصطلاحات حوزهٔ مبدأ

مجموع این ۲۱۲ استعاره ساختاری برای ۵۱ حوزه مقصد شکل گرفته است که شامل رذایل و فضایل اخلاقی گوناگونی می‌باشد و ۱۳۶ بار در نام ناکشتهای متفاوت تبیین شده‌اند؛ در حوزه مقصد نیز مفاهیم اصلی به زیر شاخه‌های مرتبط دسته‌بندی شده‌اند. برای مثال کلمات مترادفی چون «حلم» و «صبر» و یا «آز» و «طمع» در یک مجموعه با

جدول ۱. کلمات و اصطلاحات حوزه مقصد و برابری حوزه مبدأ

کلمات حوزه مبدأ							کلمات حوزه مقصد			
							مجموع	تعداد نگاشت	مفهوم اخلاقی	ردیف
						ناپاکی	۱	۱	خیانت	۱
						سپر	۱	۱	رضا	۲
						دام	۱	۱	غرور	۳
						آتش	۱	۱	حسد	۴
						نردبان	۱	۱	تواضع	۵
				دندان	دام	انبان	۷	۴	آز	۶
					دَرَج (نامه)	بند		۳	طمع	
						بال پرواز	۱	۱	محبت	۷
			ابزار	بنا	بار	سایه	۵	۵	لطف	۸
						پیشه	۱	۱	نیکی	۹
				شی گرانبها	دیوان حکومت	راه	۸	۴	داد	۱۰
				فرمان	افسار	ترازو		۴	عدل	
						سوزمین	۲	۲	انصاف	۱۱

کلمات حوزه مبدأ								کلمات حوزه مقصد		
								مفهوم اخلاقی	تعداد نگاشت	مجموع
							گیاه	۱	۱	۱۲
							پاکیزگی	۱	۱	۱۳
							زیور	۱	۱	۱۴
							گیاه	۱	۱	۱۵
							گیاه	۱	۱	۱۶
							گیاه	۱	۱	۱۷
							گلیم	۱	۱	۱۸
							راه	۱	۱	۱۹
			کسوت	در	پرویزن	توشه	گیاه	۵	۵	۲۰
							سرمایه	۱	۱	۲۱
			مفتی	راه	نیرو	موی	مربک	۶	۶	۲۲
			چوپان				سرزمین	۷	۱	۲۲
							آتش	۱	۱	۲۳
				ابر	بنا	پیشه	گیاه	۱۷	۴	۲۴
							رقابت		۱	
					معدن	باران	دریا		۳	
			بند	تعویذ	مشور	کمند	شمشیر		۸	
			پیشه	ابزار			باران		۱	
							دریا	۲	۲	۲۵
					بنا	پیشه	تاج	۳	۳	۲۶
							پرده	۱	۱	۲۷
					بنا	کلاه	نگین	۳	۳	۲۸
							نیرو	۲	۱	۲۹
							پرده		۱	
							پیشه	۱۳	۱	۳۰
							پیشه		۱	
			بار	تیغ	ابزار	زخم	درد		۸	
			آتش	راه		نیرو	رقابت		۳	
							رقابت	۱	۱	۳۱
						سرزمین	بنا	۲	۲	۳۲
						گیاه	کشتزار	۲	۲	۳۳
							آلودگی	۱	۱	۳۴
					راه	گیاه	سرمایه	۴	۳	۳۵
							راه		۱	
					کمر بند	راه	پیشه	۴	۳	۳۶
							راه		۱	
				راه	لشگر	قدرت	آتش	۴	۴	۳۷
						رایحه	راه	۲	۲	۳۸
				لباس	سرمه	شراب	پنبه	۴	۴	۳۹

کلمات حوزه مبدأ								کلمات حوزه مقصد		
								مفهوم اخلاقی	تعداد نگاشت	مجموع
						زیر	۱	۱	عفت	۴۰
					راه	شمشیر	۲	۲	بیم	۴۱
			باد	سم	گرد و غبار	مرکب	۵	۵	هوس	۴۲
						آتش	۱	۱	فضولی	۴۳
						گیاه	۱	۱	تحمل	۴۴
						گیاه	۱	۱	اخلاص	۴۵
						آلودگی	۱	۱	ناراستی	۴۶
					تاج	شراب	۲	۲	تکبر	۴۷
		راه	آسیب	رقابت	ناپاک	پاک	۶	۶	اخلاق	۴۸
						باد	۱	۱	ریا	۴۹
						شی‌گران بها	۱	۱	قناعت	۵۰
						ثروت	۱	۱	نیکنامی	۵۱
								۱۳۶	جمع کاربرد اصطلاحات حوزه مقصد	

جدول ۲. نمایش نام نگاشته‌ها

شماره	حوزه مبدأ	نام نگاشت عام	نام نگاشت خاص	تعداد نام نگاشته‌ها
۱	گیاه	امر اخلاقی گیاه است	امید ریشه است امید درخت (گیاه) است امید شاخه است امید گیاه است تحمل گیاه است اخلاص گیاه است معرفت گیاه است نیکمردی دانه است مروت درخت است احسان درخت است کرم گیاه است نامردمی گیاه است بدی گیاه است داد گیاه است	۱۴ مورد با ۴ مفهوم زیر شاخه
۲	ابر	امر اخلاقی ابر است	کرم ابر است	۱
۳	دریا	امر اخلاقی دریا ست	بخشایش دریا است جود دریا است	۲
۴	باران	امر اخلاقی باران است	جود باران است رحمت باران است	۲
۵	باد	امر اخلاقی باد است	هوی باد است ریا باد است	۲
۶	آتش	امر اخلاقی آتش است	ظلم آتش است فضولی آتش است هوس آتش است	۴

شماره	حوزه مبدأ	نام نگاشت عام	نام نگاشت خاص	تعداد نام نگاشتها
			خشم آتش است	
۷	خورشید	امر اخلاقی خورشید است	لطف خورشید است	۱
۸	سایه	سایه امر اخلاقی است	لطف سایه است	۱
۹	زمین	امر اخلاقی زمین است	جود معدن است مروت زمین کشاورزی است تقوی سرزمین است خرد سرزمین است افتادگی خاک است هوس گرد و غبار است آز سنگ است	۷ مورد با ۶ مفهوم زیر شاخه
۱۰	راه و مسیر	امراخلاقی راه است	رجا راه است امید راه است عقل راه است راستی راه است صدق راه است وفا راه است خشم راه است عدل راه است خوی زشت راه است ظلم راه است	۱۰
۱۱	شغل و پیشه	امر اخلاقی پیشه است	هوس رهن است عقل گله بان و شبان است عقل مفتی و صاحب رای است کرم پیشه است صدق پیشه است ستم پیشه است عدل پیشه است احسان پیشه است عفو پیشه است	۹ مورد با ۳ مفهوم زیر شاخه
۱۲	بنا	امر اخلاقی بنا است	سعادت بنا است کرم بنا است عفو بنا است تقوی بنا است لطف درگاه است	۵ مورد با یک مفهوم زیر شاخه
۱۳	زندان	امر اخلاقی زندان است	جور زندان است	۱
۱۴	ابزار و وسیله	امر اخلاقی ابزار است امر اخلاقی وسیله است	بیداد ابزار قتال است جور ابزار آزار و قتال است لطف ابزار انجام کار است بخشایش ابزار دفع بلا است احسان ابزار است	۲۸ مورد با ۲۰ مفهوم زیر مجموعه

شماره	حوزه مبدأ	نام نگاشت عام	نام نگاشت خاص	تعداد نام نگاشتها
			امید رشته است تواضع نردبان است آزار انبان است معرفت پرویزن است طمع بند است احسان وسیله شکار است احسان کمند است عدل افسار است عدل ترازو است احسان کمند است احسان تعویذ است احسان بند است بی آزاری زینت است هوس سم است محبت بال پرواز است عفت زیور است غفلت سرمه است هوس مرکب است عقل مرکب است معرفت در است جور دام است طمع دام است آزار دام است غرور دام است	
۱۵	ابزار حکومتی و دیوانی	امر اخلاقی ابزار دیوانی و حکومتی است	بیم شمشیر است خشم لشکر است تکبر تاج است داد دیوان حکومت است عدل فرمان است احسان شمشیر است احسان منشور است ستم تیغ است عفو تاج است رضا سپر است سعادت نگین است طمع درج (نامه) است	۱۲ مورد با ۱۰ مفهوم زیر مجموعه
۱۶	منسوجات	امر اخلاقی منسوجات است	حلم پرده است سعادت کلاه است شقاوت گلیم است چشم پوشی پرده است معرفت کسوت است	۸ مورد با ۷ مفهوم زیر مجموعه

شماره	حوزه مبدأ	نام نگاشت عام	نام نگاشت خاص	تعداد نام نگاشتها
			غفلت پنبه است غفلت لباس است صدق کمر بند است	
۱۷	شراب	امر اخلاقی شراب است	تکبر شراب است غفلت شراب است	۲
۱۸	ثروت و سرمایه	امر اخلاقی ثروت است	دانش سرمایه است امید سرمایه است داد شی گرانبهاست قناعت شی گرانبهاست انصاف سود است نیکنامی ثروت است معرفت توشه است	۷ با ۴ مفهوم زیر مجموعه
۱۹	نیرو	امر اخلاقی نیرو است	ظلم نیروی ویرانگر است جور قدرت است جور نیروی ویرانگر است لطف نیرو است صبر نیرو است خشم قدرت است خشم نیروست عقل نیرو است	۸ مورد با ۲ مفهوم زیر مجموعه
۲۰	زخم و آسیب	امر و اخلاقی زخم است امر اخلاقی آسیب است	ظلم آسیب است جور زخم و درد است	۲ مورد با یک مفهوم زیر مجموعه
۲۱	آلودگی و پاکی	امر اخلاقی آلودگی است امر اخلاقی پاکی است	ناراستی آلودگی است کینه آلودگی است خیانت چرک است	۳ با یک مفهوم زیر مجموعه
۲۲	رقابت	امر اخلاقی رقابت است	بخشش رقابت است ایثار رقابت است	۲
۲۳	اجزای بدن انسان	امر اخلاقی جزئی از بدن انسان است	عقل موی است آز دندان است دوستی نفس است	۳ مورد با ۳ مفهوم زیر مجموعه
۳۳ حوزه				مجموع ۱۳۶

شغل و پیشه، بازی، منسوجات و موارد دیگری دیده می‌شود که شاید بتوان شرایط تاریخی و جغرافیایی از طرفی موضوعات فرهنگی و دینی را در آن را در آن مؤثر دانست. لازم به ذکر است دسته بندی کوچش اعم از استعاره ای ساختاری، هستمند و جهتی است.

References

Abdul Karimi, S. (1393). Descriptive culture of cognitive linguistics. Tehran: Elmi

آنچه از این پژوهش حاصل شد با فهرست استعاره‌های مفهومی رده شناختی کوچش در ذکر کلان استعاره‌ها نیز شباهت و تفاوت‌هایی از نظر آمار و دسته بندی دارد؛ این مفاهیم در قلمرو مبدأ هم‌پوشانی دقیقی با دسته‌بندی کوچش ندارد و اختلافاتی در آن از جمله در حیطه پاکیزگی و آلودگی،

Publication.

Afrashi, A. (1395). Metaphor and cognition. Tehran: Research Institute of Humanities and

- Cultural Studies.
- Afrashi, A; Hasami, T. and Salas, B. (1391). "Comparative study of directional conceptual metaphors in Spanish and Persian". *Linguistic Essays*, 3/4: 1-23
- Chicago: University of Chicago Press.
- Deignan, A (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics: Converging evidence in language and communication research*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publication Company
- Fatemi Tabar, S. and Monzavi, S. (1387) "Reason and Concepts of Ethics", *Ethics and History of Medicine*, 1/3, 7-14
- Holy Quran
- Ibn Moskawieh Razi. (1389). *Tahzeeb al-Akhlaq*, edited by Dr. Ali Asghar Halabi, Tehran: Asatir
- Jakel, O (2002). *Hypothesis Revisited: The Cognitive Theory of*
- Kovecses, Z et al. (1393). *A practical introduction to metaphor*. Translated by Shirin Pourabraham, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books, Samt Publications
- Kovecses, Z. (2010), *Metaphor: A practical introduction*, London: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993) *The Contemporary Theory of Metaphor*, in *Metaphor and*
- Lakoff, G. and Johnson, M (1980), *Metaphors We Live By*,
- Mesbah Yazdi, M. (1381). *Ethical philosophy*, Tehran: Ettelaat
- Metaphor Applied to Religious Texts; metaphoric.
- Mohammadian, A. and Farhanizadeh, M. (1397). "Conceptual Metaphor of Happiness in Divan Shams" *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*, 9/18: 319-350
- Movahhed, Z. (1392) *Saadi*. Tehran: Nilofar
- Plato. (1367). *The complete cycle of Plato's works*, translated by Mohammad Hasan Lotfi, Tehran: Kharazmi
- Saadi (605 AH). Edited by Gholamhossein Yousefi, Tehran: Khwarazmi, 11th edition.
- savagheb, J. (1389). "Work culture in written oral literature". *Culture of the people of Iran*, numbers 22 and 23, Fall and Winter 89: 52-65
- Sawaqib dowsi's *Shahnameh: a cognitive approach*" *Research Journal of Ethics*, 11/40, 127-142.
- Seraj, A. and Mahmoudi Bakhtiari, B. (1397). "Conceptual metaphors of the field of ethics in Fer
- Thought, edited by Andrew Ortony, Cambridge: Cambridge University Press.
- Zamani, M. (1394). "Sources of thought in Persian moral systems". *Ethical Research*, 5/3, pp. 73-93